

ایران از مغول تا صفویه

مقدمه

از حمله مغول به ایران در سال ۶۱۶ ق تا قدرت‌گیری صفویه در سال ۹۰۷ ق را عصر مغول - تیموری می‌نامند. در این درس با مهم‌ترین تحولات دوران مذکور در قالب سه دوره:

(الف) هجوم و فرمانروایی مغولان

(ب) هجوم و فرمانروایی تیموریان

(ج) فرمانروایی ترکمانان، آشنا می‌شوید.

(الف) دوره هجوم و فرمانروایی مغول

۱- از قدرت‌گیری چنگیز تا هجوم مغول به ایران: مغولان، گروهی از طوایف زردپوست بودند که در سرزمین مغولستان زندگی می‌کردند. مغولستان، طبیعت و اقلیم نامساعدی داشت و بدین سبب، ساکنان خانه به دوش آن ناچار بودند که برای بر خورداری از حداقل امکانات موجود، با یکدیگر در ستیز دائمی باشند. بنابراین، مغولان مردمی سخت‌کوش، جسور و خشن بودند که به جنگ و غارت به عنوان شیوه‌ای مناسب برای تأمین معاش خود می‌نگریستند. در مغولستان شهر و شهرنشینی رواج و رونق نداشت و از مشاغل و حرفه‌های مختلف خبری نبود. ساکنان آنجا از خط، ادبیات، هنر و دیگر دستاوردهای فرهنگی بهره زیادی نداشتند. مغولان پیرو عقایدی



چنگیزخان مغول

با یکدیگر در حال ستیز و درگیری بودند و فرمانروایان چینی نیز به اختلافات آنها دامن می‌زدند. چنین شرایطی تا زمان قدرت‌گیری چنگیز^۲ ادامه داشت.

ابتدایی موسوم به آیین شَمَنی^۱ بودند. قبایل مغول پراکنده بودند و هر قبیله به طور مستقل زیر نظر خان قبیله اداره می‌شد و میان آنها اتحادی وجود نداشت. این قبایل مدام



امپراتوری مغولان در اوج گسترش

یک توضیح

یاسای چنگیزی

چنگیز، برای نخستین بار سنت‌های حقوقی قبایل تابع خود را با برخی از قواعد ملل متمدن روزگار خویش ترکیب کرد و یک مجموعه قانونی به وجود آورد که به «یاسا» معروف شد.

چنگیز سرکرده یکی از طوایف بود که به سرعت راه ترقی را پیمود و به رهبری قبایل مغول رسید. او ابتدا میان قبایل ساکن مغولستان اتحاد سیاسی برقرار کرد و سپاه منظم و توانمندی تشکیل داد. همچنین در زمینه‌های سیاسی، نظامی و حقوقی اصلاحاتی انجام داد. چنگیز سپس با هدف ایجاد گشایش در زندگی سیاسی و اقتصادی مغولان، گام در مرحله جهان‌گشایی نهاد و یک دوره هجوم را شروع کرد که آوازه مغول را جهانی نمود.

۱- آیین شَمَنی نوعی یگانه‌پرستی ابتدایی بود که در آن ایزدان گوناگونی در نگاهداری و نظم کائنات با خدای یکتا سهیم می‌شدند و بت‌های مختلفی به عنوان مظاهر این ایزدان مورد پرستش و ستایش قرار می‌گرفتند.

۲- نام اصلی چنگیز «تموجین» به معنای آهنگر بود که بعد از به قدرت رسیدن، عنوان «چنگیز» به معنای «دلاور، جهانگیر...» به خود گرفت. وی پسر خان قبیله خویش بود که پس از مرگ پدر، دوره‌ای از آواره‌گی و فلاکت را پشت سر نهاد، اما به سبب شخصیت قوی و سخت‌کوشی فراوان موفق به قدرت‌گیری شد.

نخستین هدف مغولان، سرزمین شمال چین بود. این سرزمین در مجاورت قلمرو مغولان قرار داشت و از ثروت و امکانات خوبی برخوردار بود. فتح شمال چین با قتل و غارت وحشتناکی همراه بود اما برای مغولان دستاورد زیادی داشت؛ چرا که علاوه بر کسب ثروت و غنائم بسیار، از دستاوردهای چینیان در امور تمدنی و فرهنگی بهره‌مند شدند و مهندسان و متخصصان چینی را در امور نظامی و تجهیز ارتش به خدمت گرفتند.

سپاهیان چنگیز پس از فتح شمال چین، مناطق غربی مغولستان و از جمله ترکستان و قلمرو قراختایان را نیز فتح کردند. در نتیجه این موفقیت نظامی قبایل



حمله مغولان به یکی از شهرهای چین، این نقاشی در قرن دهم هجری کشیده شده است.

متعددی از ترکان تابعیت و اطاعت چنگیز را پذیرفتند. مغولان با این فتوحات بر بخشی از جاده ابریشم مسلط شدند و تصمیم گرفتند از طریق آن جاده، منافع اقتصادی سرشاری از تجارت کسب کنند.

۲- از هجوم مغول تا قدرت گیری ایلخانان : در شرایطی که مغولان با ایران همسایه شده بودند، اقدام حکومت خوارزمشاهی در کشتن بازرگان مغول در شهر اترار، بهانه لازم را به چنگیزخان، برای حمله به ایران داد. این هجوم که از سال ۶۱۶ تا سال ۶۲۲ق به طول انجامید، یکی از تلخ‌ترین و هولناک‌ترین رویدادهای تاریخی سرزمین ما به شمار می‌آید. در نتیجه این تهاجم سهمگین، بیشتر شهرها و روستاهای بزرگ و پرجمعیت ماوراءالنهر و خراسان ویران و ساکنان آنها کشته، اسیر و آواره شدند.

کاهش محسوس جمعیت، تخریب شبکه‌های آبیاری و مزارع کشاورزی و نابودی کارگاه‌های تولیدی و اماکن مسکونی، پیامدهای اجتماعی و اقتصادی موج نخست هجوم مغولان به ایران بود.

فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما چرا پژوهشگران تاریخ، کشتار بازرگانان مغول توسط خوارزمشاه را بهانه تهاجم چنگیز به ایران می‌شمارند و نه علت واقعی آن؟

پس از بازگشت چنگیز خان به مغولستان و مرگ او (۶۲۴ق)، از شدت حملات مغولان به ایران کاسته شد. البته گروهی از سپاهیان او در تعقیب جلال‌الدین خوارزمشاه، همچنان در حال تاخت و تاز بودند. اوکتای، پسر و جانشین او سیاست ملایم‌تری نسبت

به ساکنان قلمرو متصرفی در پیش گرفت. جانشینان چنگیز عنوان «قآن»^۱ داشتند. آنها قلمرو خود از جمله قسمت‌هایی از ایران را که تسخیر کرده بودند به وسیله نمایندگان اعزامی مغول اداره می‌کردند. این نمایندگان وظیفه گسترش فتوحات، سرکوب شورش‌ها، گردآوری مالیات‌ها و تثبیت حاکمیت مغول را بر عهده داشتند. مسئله مهم این دوره، پیوستن دیوان‌سالاران باتجربه ایرانی به مغولان بود. آنان تمام تلاش خود برای مهار خشونت و رفتار غیرمدنی مغولان به کار بستند.



مجلس جشن به افتخار تعیین هلاکو برای مأموریت ایران. منگوقاآن بر تخت نشسته و هلاکو در سمت راست او قرار دارد.

۳- از تشکیل حکومت ایلخانی تا هجوم تیمور: حکومت ایلخانی^۲ یا ایلخانان به سلسله‌ای اطلاق می‌شود که پس از اعزام هلاکو خان به ایران تشکیل شد. هلاکو نوه چنگیز بود و در زمان فرمانروایی برادرش منگوقاآن به ایران اعزام شد. وی مأموریت داشت، فتوحات مغول را در جهان اسلام تکمیل کند. هلاکو، نخست قلعه‌های اسماعیلیان را تسخیر و به قدرت آنان پایان داد (۶۵۴ق)؛ وی سپس بغداد را گرفت و خلافت عباسی را برانداخت (۶۵۶ق). سقوط خلافت عباسی سرآغازی بر تأسیس حکومت ایلخانان بود. او پس از انتظام امور سرزمین‌های متصرفی، به شام لشکرکشی کرد و تادمشقی پیش رفت. در حالی که هلاکو خان با شنیدن خبر مرگ برادرش راهی مغولستان شده بود، سپاه مغول در نبرد عین جالوت^۳ از سپاه مملوکان^۴ مصر به سختی شکست خورد. مغولان هرگز نتوانستند این شکست را جبران و فتوحات خود را در این بخش از سرزمین‌های اسلامی تکمیل کنند. تلاش‌های سیاسی بعدی آنها برای اتحاد با مسیحیان علیه مملوکان نیز موفقیت‌آمیز نبود.

فکر کنید و پاسخ دهید:

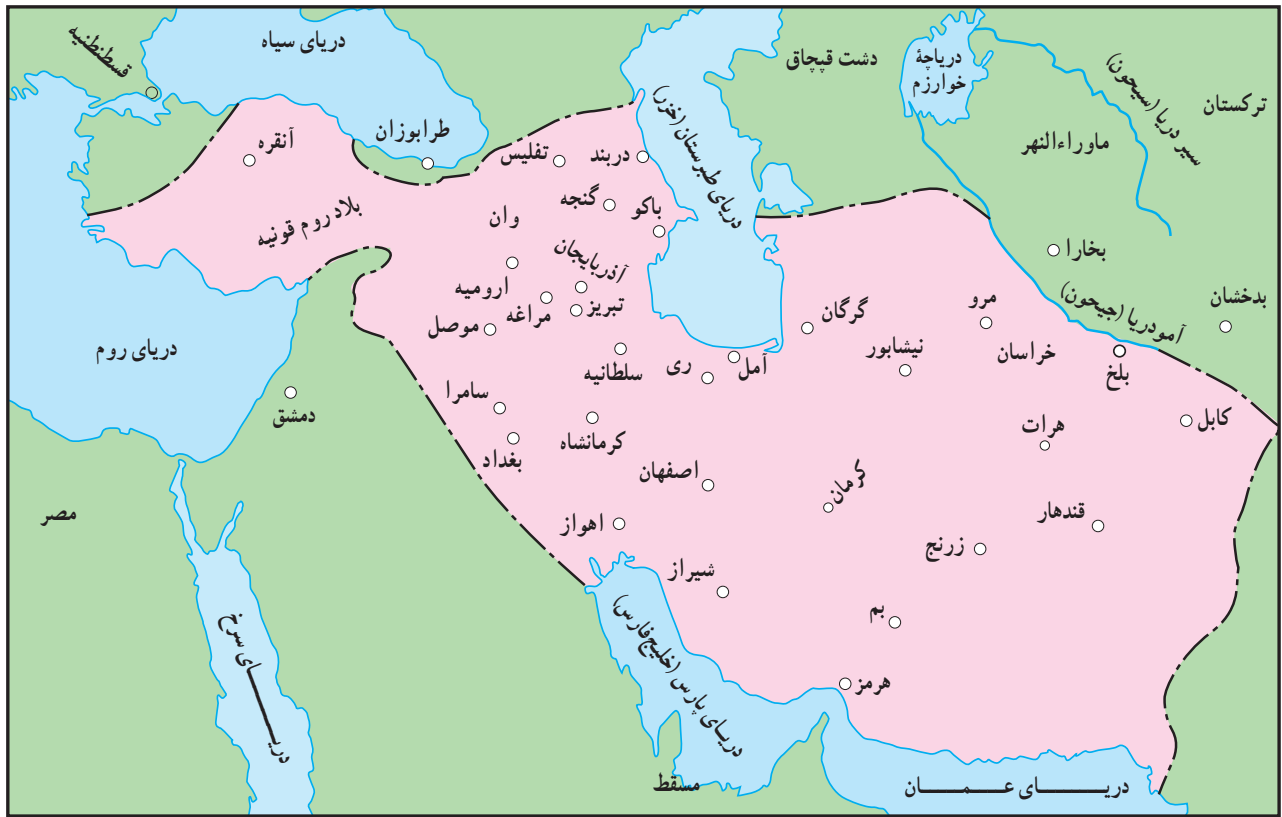
به نظر شما چرا خشونت و ویرانگری مغولان تحت فرمان هلاکو خان، کمتر از مغولان تحت فرمان چنگیز خان بود؟

۱- قآن به معنای خان بزرگ است. این عنوان برای افرادی از خاندان چنگیز که در مرکز امپراتوری ریاست کل امپراتوری مغول را داشتند به کار می‌رفت.

۲- ایلخان به معنای خان تابع است؛ از آنجایی که هلاکو و جانشینانش از خان بزرگ مغول در مغولستان تبعیت می‌کردند به این نام خوانده شدند.

۳- نام آبادی در فلسطین اشغالی و در شمال شهر بیت المقدس

۴- سلسله‌ای که در حدفاصل سال‌های ۶۴۸ تا ۹۲۳ ق بر مصر و شام حکومت کرد. از آنجا که بانیان این حکومت، خاستگاه غلامی داشتند به مملوکان شهرت یافتند.



قلمرو ایلخانان در زمان غازان خان

می‌کردند مانع خودسری امرای مغول و زیاده‌خواهی مأموران مالیاتی شوند. در نتیجه تلاش آنان، ایلخانان و بزرگان مغول مسلمان شدند، شریعت اسلامی بر یاسای جنگیزی برتری یافت و شرایط برای بازسازی و اصلاح امور ایران فراهم آمد.

غازان، اولین ایلخان مسلمانی بود که اسلام را دین رسمی اعلام کرد. او با خارج شدن از تابعیت خان بزرگ مغول، استقلال حکومت ایلخانی را تکمیل کرد. غازان به راهنمایی و مشاورت بزرگان ایرانی و به خصوص وزیر بزرگ خویش خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی اصلاحاتی را در زمینه سیاسی، نظامی و اقتصادی آغاز کرد. هدف این اصلاحات در عرصه سیاسی، یکپارچگی

دوران حکومت ایلخانان را می‌توان به دو دوره: عهد نامسلمانی^۱ (۶۵۴-۶۹۴ق) و عهد مسلمانی (۶۹۴-۷۳۶ق) ایلخانان تقسیم کرد. در عهد نامسلمانی ایلخانان، بزرگان ایرانی چه عالمان و چه دیوانیان، مسئولیت مهمی را بر عهده گرفتند. آنها تلاش کردند که ایلخانان و امرای مغول را با فرهنگ ایرانی - اسلامی آشنا کنند و قواعد و رموز زندگی یکجانشینی و رسوم کشورداری را به آنان بیاموزند. در این دوران، عالمانی چون خواجه نصیرالدین توسی و دیوانسالارانی مانند شمس‌الدین محمد جوینی و برادرش عظاملک جوینی در جهت انتظام امور، رونق فعالیت‌های اقتصادی، علمی و فرهنگی و آرامش و آسایش مردم گام برداشتند و سعی

۱- البته در میان ایلخان عهد نامسلمانی، تکودار (سلطان احمد) پسر هلاکو خان، سومین ایلخان که از ۶۸۰ تا ۶۸۳ق حکومت کرد و به جرم تخطی از یاسا برکنار و اعدام شد، یک استثنا بود، زیرا او به دین اسلام گروید.

بخش برنامه اصلاحات غازان خان، ساماندهی و انتظام امور مالیاتی بود. همچنین در زمینه کشاورزی، اقدامات اصلاحی مانند بازسازی شبکه‌های آبیاری انجام گرفت.

و تمرکز امور کشوری و لشکری و مقابله با سرکشی سرداران مغول بود. در عرصه نظامی به منظور جلوگیری از بی‌نظمی و چپاول‌گری نظامیان، زمین‌هایی به فرماندهان واگذار و برای سربازان مقرری تعیین شد. مهم‌ترین



غازان خان در حال تلاوت قرآن

فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی مؤثر بود در تعالی جایگاه مسلمانان در دنیای آن روز نیز تأثیر مناسبی داشت. در این زمان شیعیان فعال‌تر بودند و افزون بر تلاش فکری و فرهنگی، در عرصه سیاسی نیز وارد عمل شدند. نتیجه این فعالیت‌ها در شکل‌گیری نهضت‌های شیعی و تأسیس حکومت سربداران اندکی پس از زوال حکومت ایلخانان مشاهده می‌شود.

از دیگر ویژگی‌های دینی و اجتماعی این عصر، گسترش تصوف و افزایش نفوذ اجتماعی و معنوی صوفیان در جامعه است. تصوف در عصر ایلخانان

برجسته‌ترین دستاورد حکومت ایلخانی در زمینه سیاسی، وحدت جغرافیایی ایران بود. ایلخانان موفق شدند سرزمین‌های پهناوری از جیحون تا فرات و بخش وسیعی از آناتولی را تحت فرمانروایی خود در آوردند. در عهد ایلخانی برای نخستین بار از عهد باستان، روابط مستقیم سیاسی میان ایران و کشورهای اروپایی برقرار شد.

یکی از ویژگی‌های دینی و اجتماعی دوره ایلخانان، وحدت و هماهنگی بود که میان مسلمانان اعم از شیعه و سنی برای مقابله فکری و فرهنگی با غیرمسلمانان به وجود آمد. چنین وحدتی علاوه بر اینکه در اثبات برتری



گنبد سلطانیه از شاهکارهای معماری ایران در عصر ایلخانان

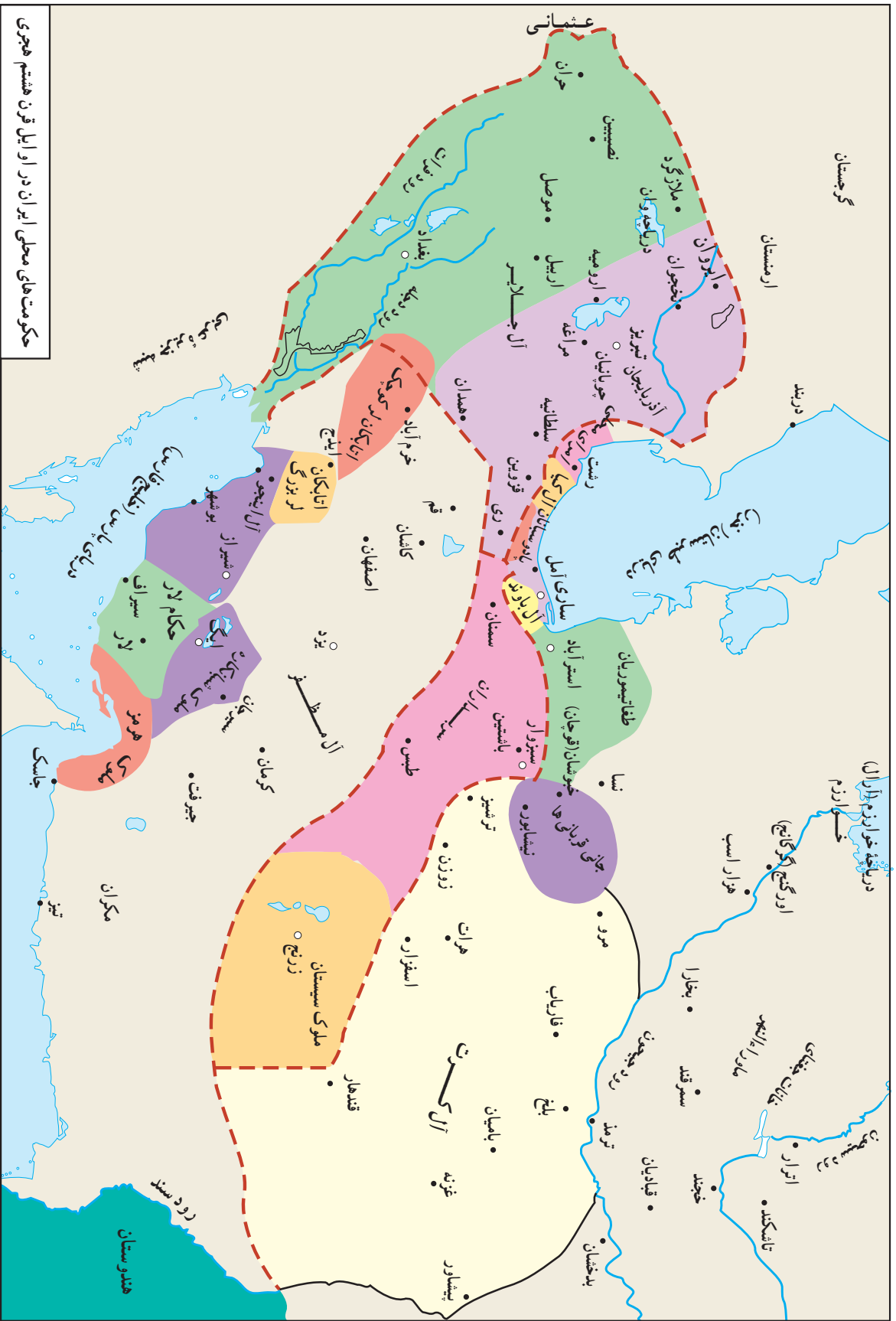
به تدریج ماهیت شیعی به خود گرفت و در پیدایش حکومت‌های شیعی که پس از سقوط ایلخانان به وجود آمدند، نقش مؤثری ایفا کرد.

در سال ۷۳۶ق با مرگ ایلخان ابوسعید، فرمانروایی ایلخانان منقرض شد و یک دوره بی‌ثباتی و آشفتگی سیاسی به وجود آمد که تا زمان هجوم تیمور به ایران ادامه داشت. در این دوران سرداران مغول، افرادی از خاندان چنگیز را عَلم کردند و با یکدیگر به رقابت برخاستند. در چنین شرایطی، چندین حکومت محلی مانند سربداران، آل چوپان، آل جلایر و آل مظفر در مناطق مختلف ایران به وجود آمدند.

یک توضیح

قیام سربداران در سبزوار (بیهق)

در اواخر عهد ایلخانان، سرداران مغولی حاکم بر خراسان ستمگری پیشه کردند و پس از مرگ آخرین ایلخان مغول ظلم و ستم آنان بر مردم فزونی گرفت. مردم سبزوار که پیرو مذهب شیعه بودند، در آن زمان تحت تأثیر فعالیت برخی مشایخ صوفی مانند شیخ خلیفه مازندرانی (مقتول: ۷۳۶ق) و شاگردش شیخ حسن جوری آمادهٔ مقابله با بی‌عدالتی و ظلم شدند. چون زیاده‌خواهی و گستاخی مأموران حکومت از حد گذشت، مردم روستای باشتین سبزوار، مأموران گستاخ و فاسق را مجازات و با شعار «سربه دار می‌دهیم، تن به ذلت نمی‌دهیم» قیام کردند. آنان سپس به رهبری دو تن از بزرگان آن دیار، سپاه حاکم خراسان را شکست دادند و با تسلط بر سبزوار، تأسیس حکومت سربداری را اعلام کردند. سربداران با پیروزی بر حکام محلی، قلمرو خود را به نیشابور، بسطام، دامغان و سمنان گسترش دادند. حکومت سربداران از بدو تأسیس گرفتار اختلاف و نزاع داخلی شد و به همین دلیل نتوانست از قیام‌های سربداری در دیگر نقاط ایران از جمله کرمان به‌خوبی پشتیبانی کند. سربداران مدافع و مروج مذهب شیعه بودند و سرانجام توسط تیمور برافتادند.



حکومت‌های محلی ایران در اوایل قرن هشتم هجری

ب) دوران فرمانروایی تیموریان

۱- عصر هجوم و استیلای تیمور : در اواخر سدهٔ هشتم هجری، کشور ما با یورش دیگری از سمت ماوراءالنهر به سرکردگی تیمور گورکانی مواجه شد. تیمور اصل و نسب مغولی داشت و برخی از مورخان نسب او را به خاندان چنگیز می‌رسانند. او از شرایط نابسامان ماوراءالنهر استفاده کرد و با شکست رقیبان و مدعیان، بر آن دیار تسلط یافت.

تیمور پس از آنکه قدرت خود را در ماوراءالنهر تثبیت کرد، با آگاهی از اوضاع آشفتهٔ ایران به فکر فتح میهن ما افتاد. او برای تسخیر کامل ایران سه مرحله یورش آورد. این یورش‌ها که با شدت و خشونت بسیار انجام گرفت، یادآور هجوم وحشتناک چنگیزخان مغول بود. در جریان این هجوم‌ها، شهرهای زیادی مانند هرات، سبزوار، اصفهان، تبریز، شیراز و بغداد ویران و هزاران نفر از ساکنان آنها قتل و عام شدند. در نتیجهٔ یورش‌های تیمور، حکومت‌های محلی ایران منقرض شدند یا به انقیاد او درآمدند. تیمور همچنین کشورها و سرزمین‌های همسایهٔ ایران را نیز مورد تهاجم قرار داد و در فکر حمله به چین بود که از دنیا رفت (۸۰۷ ق).



مقبرهٔ تیمور در سمرقند

یک توضیح

جهان‌گشای بزرگ صحراگرد

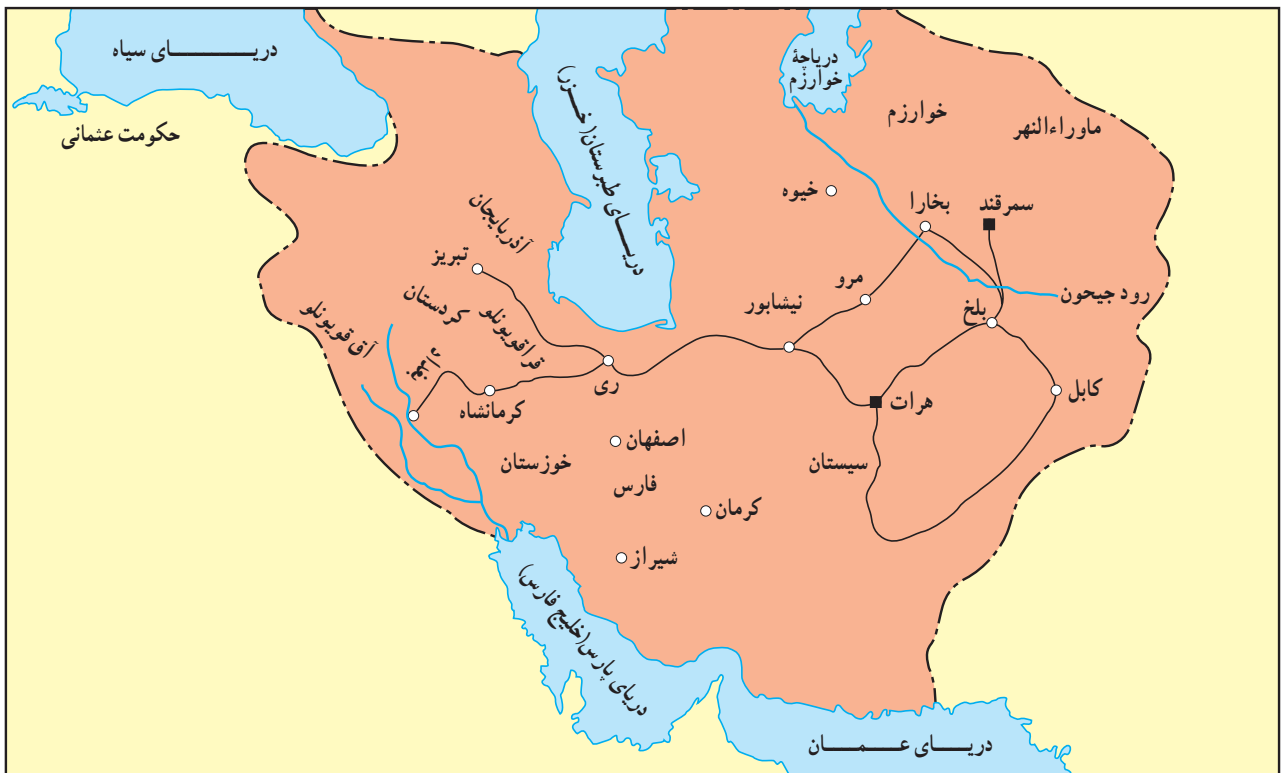
امیر تیمور به سان طوفانی سهمگین در برهه‌ای از تاریخ جهان پدید آمد و با یورش‌ها، ویرانگری‌ها و قتل عام‌هایش آوازه‌ای جهانی یافت. مورخان درباری او را ستوده‌اند و اعمال وی را مظهر قهر الهی شمرده‌اند و مورخان غیردرباری مانند ابن عرب‌شاه او را سرآمد تبهکاران دجال صفت خوانده‌اند. یکی از ویژگی‌های بارز او نبوغ نظامی‌اش بود که در شیوه‌های جنگی او آشکار بود. زندگی و تربیت او در صحرا و پیروی از آداب زندگی و نظامی مغول، در موفقیت‌هایش نقش اساسی داشت. وی در تشکیلات نظامی به ایل و تبار خود تکیه می‌کرد (دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۶، مدخل تیمور گورکانی).

تیمور بیشتر یک جنگجو و فرمانده نظامی بود؛ از این رو، تلاش چندانی برای انتظام امور مناطق مفتوحه نداشت. علاقه او به عمران و آبادی به شهر سمرقند محدود بود. معروف است که: «تیمور جهانی را نابود کرد تا شهری را آباد سازد».

۲- عهد جانشینان تیمور: اختلاف و نزاع

فرزندان و نوادگان تیمور و ظهور قدرتمندان محلی، قلمرو وسیع تیمور را دچار آشفتگی و تجزیه کرد. پس از چند سال خصومت و درگیری میان اعضای خاندان تیموری، سرانجام یکی از پسران تیمور به نام شاهرخ برتری خود را نسبت بر دیگر مدعیان تحمیل کرد و بر بیشتر متصرفات پدر تسلط یافت. او شهر هرات را مرکز

حکومت خود قرار داد. شاهرخ که در محیط فرهنگی و تمدنی ایران پرورش یافته و از تربیتی اسلامی برخوردار بود، سیاست جنگ طلبانه پدر را کنار گذاشت و به صلح و آرامش توجه و تمایل بیشتری نشان داد. وی به علم و هنر علاقه مند بود و از علما، اندیشمندان و ادیبان حمایت می کرد. او به همراه همسرش گوهرشاد خاتون تلاش قابل توجهی برای عمران و آبادی شهرها انجام داد. الگوبیک، پسر و جانشین شاهرخ نیز فرمانروایی دانش دوست بود و علاقه خاصی به ریاضیات و نجوم داشت. بایسنقر، دیگر فرزند شاهرخ نیز شیفته هنر و ادب فارسی بود.



قلمرو تیموریان در زمان شاهرخ

پس از دیگری بر بخش‌های مرکزی و غربی ایران حکومت کردند. تلاش قراقویونلوها برای دستیابی به قدرت از سال‌های پایانی زندگی تیمور آغاز شد و در عهد جانشینان او به اوج خود رسید. آنها توانستند جانشینان شاهرخ را شکست دهند و سلطه خود را بر بسیاری از نواحی ایران به استثنای مناطق شرقی تثبیت کنند. این سلسله به مذهب تشیع گرایش داشت. قراقویونلوها توسط آق قویونلوها از میان رفتند. قدرت روزافزون امپراتوری عثمانی و پیشروی آن به سمت مناطق شرقی آسیای صغیر از یکسو و قدرت‌گیری صفویان از سوی دیگر موجبات نابودی آق قویونلوها را فراهم آورد.

در دوران زمامداری جانشینان شاهرخ، با ظهور مدعیانی چون قراقویونلوها و آق قویونلوها، قلمرو تیموریان به مناطق شرقی ایران محدود شد. سرانجام در اوایل سده دهم هجری صفویان خراسان و ازبکان ماوراءالنهر را تصرف کردند و نوادگان تیمور را به هند راندند تا در آنجا دولت گورکانیان هند را پایه‌گذاری کنند.

ج) عهد فرمانروایی ترکمانان^۱

اصطلاح ترکمان و ترکمانان به دو اتحادیه از طوایف و قبایل ترک به نام‌های قراقویونلوها^۲ و آق قویونلوها^۳ اطلاق می‌شود که در قرن نهم یکی



مسجد گوهر شاد مشهد

۱- به معنای «ترک مانند» و یا «ترک بزرگ»

۲- به معنای دارندگان گوسفندان و یا پرچم‌های سیاه

۳- به معنای دارندگان گوسفندان و یا پرچم‌های سفید

با مطالعه درس، بررسی نقشه‌ها و راهنمایی دبیر خود، جدول زیر را کامل کنید.

ایلیخانان	سربداران	آل مظفر (مظفریان)	آل جلایر (جلایریان)	تیموریان	قراقویونلوها	آق قویونلوها
۶۵۳-۷۳۶ ق	۷۳۶-۷۸۳ ق	۷۱۸-۷۹۵ ق	۷۴۰-۸۳۵ ق	۷۷۱-۹۱۱ ق	۷۹۰-۸۷۲ ق	۷۸۰-۹۲۰ ق
.....	عبدالرزاق یاشتینی	شیخ حسن بزرگ	قرا یوسف	عثمان بیک
غازان و الجایتو	خواجه علی مؤید	شاه شجاع	سلطان اویس	جهانشاه	اوزون حسن
.....، یزد،	عراق، نواحی غربی و مرکزی ایران	شمال غرب، غرب و مرکز ایران، شرق آسیای صغیر	شمال غرب، غرب، مرکز و جنوب ایران، شرق آسیای صغیر
عراق و آسیای صغیر	گرگان، قومن (سمنان)، مازندران	کرمان، اصفهان و گاه آذربایجان
.....	بغداد
.....
رویدادهای مهم	قیام علیه زباده‌خواهی امرای مغول، اشاعه مذهب تشیع، حمایت از ستم‌دیدگان	درگیری با آل اینجو، آل مظفر و تیمور، برخورد نامناسب با حافظ	درگیری با آل مظفر، قراقویونلوها و تیمور	درگیری با تیموریان، آل جلایر، آق قویونلوها، گرایش به تشیع	رقابت و درگیری با قراقویونلوها، اتحاد و دوستی با تیمور، درگیری با صفویان

پرسش‌های نمونه

- ۱- اوضاع اجتماعی و سیاسی مغولستان را پیش از به قدرت رسیدن چنگیزخان شرح دهید.
- ۲- مغولان چگونه به مرزهای ایران رسیدند و بهانهٔ هجوم آنان به ایران چه بود؟
- ۳- پیامدهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تهاجم سپاهیان چنگیزخان را به ایران بنویسید.
- ۴- نقش بزرگان ایرانی (عالمان و دیوانیان) را در عهد نامسلمانی ایلخانان توضیح دهید.
- ۵- ویژگی برجستهٔ حکومت ایلخانان در زمینهٔ سیاسی چه بود؟
- ۶- اوضاع سیاسی ایران را در حدفاصل زوال ایلخانان تا یورش‌های تیمور گورکانی شرح دهید.
- ۷- شخصیت سیاسی تیمور گورکانی را با شخصیت سیاسی پسرش شاهرخ مقایسه کنید.

اندیشه و جست و جو

- ۱- تحقیق کنید لشکریان چنگیز در جریان تسخیر شهرهای نیشابور، هرات و بلخ، چه برخوردی با ساکنان آنها کردند؟
- ۲- جست و جو کنید چه اثری منسوب به شاهزاده بایسنقر است؟ ویژگی آن اثر چیست؟